

♦♦♦ شیره را خورد گفت شیرین است!



محمد حیدری

مرکزی هم گفته بود:
«در سال ۶۷ بالغ بر ۲۱۷
میلیارد ریال تسهیلات تکلیفی
در قالب تبصره‌ها به نظام بانکی
تحویل شد که در سال جاری به
۱۳ تبصره و میزان اعتبارات
تکلیفی به ۲۵ هزار و ۷۳۹ میلیارد
ریال رسید.»

برای آگاهی کسانی که
ممکن است ذهنیت روشنی از
مسائل اقتصادی نداشته باشند توضیح می‌دهیم که
اوراق مشارکتی که مورد نظر سخنران اول است، همان
اوراقی است که در سال‌های اخیر به عناوین گوناگون،
بدون مطالعه کافی، و به طرق مختلف از سوی
دستگاه‌های دولتی یا وابسته به دولت برای مقاصد
گوناگونی نظیر اجرای پروژه نواب و تشکیل شرکت
فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه منتشر شده است.

اگر آقای سیف و همگان ایشان این روزها به
زیان‌آور بودن انتشار این قبیل اوراق پی برده‌اند،
کسانی که اندکی از ساز و کار اقتصاد آگاهی دارند، و
کمی هم احساس مسئولیت می‌کنند از همان زمان
شروع انتشار چنین اوراقی زیان‌آور بودن استفاده از
این ابزار مالی را با دلایل مکتفی تذکر دادند. اگر آقای
سیف و هم‌تایان ایشان این ادعا را باور ندارند به
گزارشی که تحت عنوان «اوراق مشارکت: چراغ جادو یا
... مندرج در شماره ۶۱/۶۰ هجین ماهنامه (بهمن /
اسفند ۱۳۷۴) رجوع فرمایند.

آقای سیف می‌فرمایند: «انتشار اوراق مشارکت
هزینه اجرای طرح‌ها را بالا می‌برد. حالا به فرآزی از
همان گزارش توجه فرمائید:

«توجه داشته باشیم که قسمت اعظم این اوراق برای
طرح‌های پر هزینه و بی‌بازده شهری منتشر شده، بنابراین
نه تنها تأثیری در روند افزایش تولید ندارد، بلکه بر عکس
اعتباراتی را که می‌توانست در خدمت بخش مولد قرار
گیرد جذب و معطل کرده است. جز این، بهره تمام شده
این اوراق را می‌توان هم‌امدی در تشدید تورم دانست
[همان‌که آقای سیف بالا رفتن هزینه طرح‌هایی نامند].

پرداخت اصل و سود این اوراق از جانب شبکه بانکی
(بانک‌های ملی - تجارت و ...) تضمین شده است، لذا باید
در نظر گرفت سود این اوراق همان ۲۰ درصدی که اعلام
و تضمین شده، نیست، بلکه هزینه‌ها و سود مورد نظر
بانک‌ها نیز مزید بر آن است، یعنی در خوش‌بینانه‌ترین
فرض، هر سال معادل ارزش پانزده سهم به آن سود و هزینه
تعلق می‌گیرد؛

و یا

«اگر هم هدف از انتشار اوراق قرضه جذب و
جمع‌آوری نقدینگی سرگردان باشد به هیچ شکل ممکن،
عملی و کارساز نیست، زیرا دانه درشت‌ها حتی به دریافت
بهره‌های پنج‌جاه در صدی هم رضایت نمی‌دهند...
بنابراین متقاضیان خرید این اوراق پس‌انداز کنندگان
اندک و متوسط دانه‌ریزها هستند و لذا صورت مسأله
کماکان به شکل سابق روی تخته سیاه ماندگار خواهد
شد.»

پیش از این، یعنی در سال ۱۳۷۳ نیز در شروع یک
حرکت جدید اقتصادی هشدارهای مشابهی در همین
ماهنامه چاپ شد.

اجرای برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و
بی‌انضباطی شدید مالی در سال مزبور تورم شدیدی را
به جامعه ایران تحمیل کرد. رقم رسمی این تورم که از
سوی بانک مرکزی اعلام شد نزدیک به ۵۰ درصد بود.
اسم این تورم رسمی و سازمان یافته را «گران‌فروشی»
گذاشتند و راه مبارزه با آن را هم ابتدا تشکیل «ستاد
پشتیبانی برنامه تنظیم بازار» و سپس تشکیل ۱۰۰۰
فروشگاه زنجیره‌ای معرفی کردند. برای تشکیل این
فروشگاه‌ها قرار شد شرکتی تحت نام «شرکت
فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه» تشکیل شود و:

«... تا ۳۵ درصد از سهام این شرکت توسط وزارت
بازرگانی، شهرداری‌های سراسر کشور، بیمه و بانک‌ها
تأمین شود و ۶۵ درصد مابقی به صورت اوراق یک
سهمی، پنج‌سهمی، ده‌سهمی، یک‌صدسهمی و هزار
سهمی از قرار هر سهم پنج‌جاه هزار ریال به مردم عرضه
شود. بر اساس مصوبه... اصل سرمایه و حداقل سود به
مقدار ۲۰ درصد توسط سیستم بانکی برای مدت ۵ سال
تضمین خواهد شد. و قابل پرداخت می‌باشد.»

شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش بانکداری
اسلامی در دهه اول و دوم شهریور ماه ۱۳۷۶
سخنرانی‌هایی را شنیدند که بهترین مصداقی بود که
تا کنون برای این بیت معروف ارائه شده است:
از کرامات شیخ ما این است
شیره را خورد گفت شیرین است

بخش‌هایی از یکی از این سخنرانی‌ها را که توسط
آقای ولی‌الله سیف مدیرعامل کنونی بانک سپه و مدیر
عامل قبلی بانک صادرات ایراد شده است، به نقل از
روزنامه رسالت شماره ۳۳۷۱ (۱۲ شهریور) مرور
می‌کنیم.

«انتشار اوراق مشارکت هزینه اجرای طرح‌ها را
بالا می‌برد، از طرف دیگر شهرداری‌ها نیز برای اجرای
طرح‌های بی‌بازده و پر هزینه اقدام به انتشار این اوراق
می‌کنند...»

«یکی از مشکلات کنونی بانک‌ها افزایش حجم
مطالبات معوق است که بیشتر از ناحیه تسهیلات تکلیفی
می‌باشد. این در حالی است که در قانون بودجه در برخی
موارد گفته شده که تسهیلات بانکی بدون اخذ هرگونه
وثیقه پرداخت شود...»

«بانک‌ها به دلیل داشتن تسهیلات تکلیفی بالا
نمی‌توانند به متقاضیان عادی در جهت اعطای وام پاسخ
مناسب بدهند.»

بد نیست یاد آور شویم همان روزها، یعنی روز
۱۰/۶/۷۶ آقای محسن نوربخش رئیس کل بانک

قرار بود این فروشگاهها شاخ غول گرانی را بشکنند، اما نه تنها شاخی را نشکستند، بلکه خود شاخی جدید شدند و در جیب مردم جا گرفتند. به خبری که در همان شماره روزنامه رسالت و ذیل سخنان آقای سیف درج شده است توجه فرمائید:

«یاسوج» واحد مرکزی خبر فروشگاه زنجیره‌ای [رفاه] یاسوج ماه گذشته به جرم گرانفروشی به پرداخت سه میلیون ریال محکوم شد. سرپرست اداره کل بازرسی

ونظارت استان با اعلام این مطلب افزود: این فروشگاه اخیراً نیز به جرم عرضه ده تن شکر خارج از شبکه توزیع با تعیین یک میلیون و چهارصد و پنجاه هزار ریال جریمه به تعزیرات حکومتی معرفی شده است»

در شماره ۴۷ همین ماهنامه (دی ۱۳۷۳) نوشتیم:

«واقعیت، تضمین پرداخت حداقل ۲۰ درصد سود به خریداران سهام شرکتی است [شرکت رفاه] که این هزار فروشگاه تحت پوشش آن قرار می‌گیرند و اگر با خوش بینی مطلق هزینه‌های دستگاه عریض و طویل لازم برای اداره این تعداد فروشگاه را نیز ده درصد در نظر بگیریم آنگاه این نتیجه عاید خواهد شد که کالاهایی که در فروشگاههای هزارگانه شرکت سهامی فروشگاههای زنجیره‌ای رفاه عرضه می‌شود، حتی اگر از منابع اولیه تولید داخلی و خارجی نیز تهیه شود سی درصد (حدود یک سوم قیمت تمام شده) گرانتر از بهای آن در مراکز تولید خواهد بود.»

زمانی که این قبیل گزارشها و تحلیل‌ها در این ماهنامه و سایر رسانه‌های واقع‌گرا و ناوابسته چاپ می‌شد کجا بودند آقای سیف و امثال ایشان تا نیم‌نگاهی به چنین تحلیل‌هایی بیندازند و همان زمان با اهل انصاف هم‌زبان شوند و بگویند که اجرای این قبیل طرح‌ها زیان‌های غیرقابل جبرانسی به اقتصاد و سازندگی کشور می‌زند.

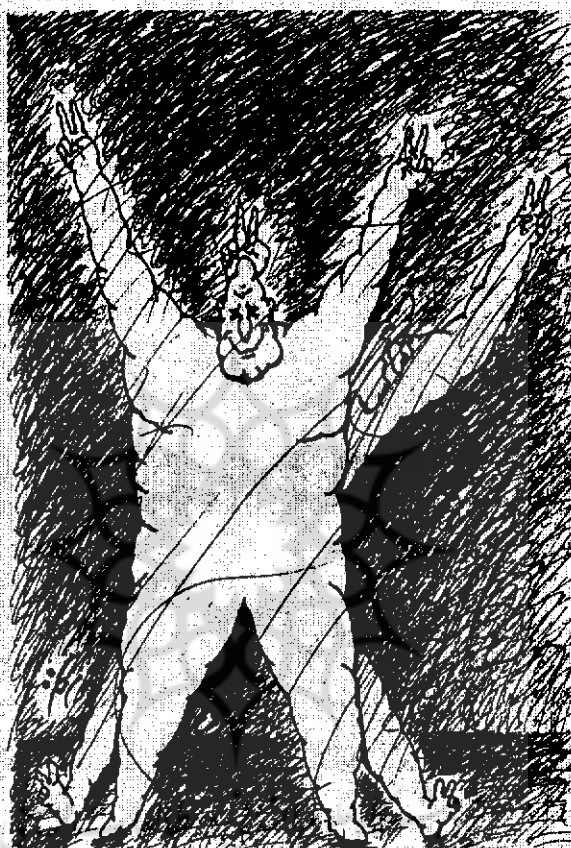
سکوت و بی‌توجهی - و ای بسا موافقت ضمنی - مسئولان اقتصادی و پولی کشور در برابر چنین رویدادهایی سبب شد شیرینی جمع‌آوری نقدینگی مردم به دهان عده‌ای دیگر نیز مزه کند و آنها هم با توسل به ترفندهایی دیگر درصدد جمع‌آوری نقدینگی‌های هنگفت برآیند.

تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری گوناگون با وعده

پرداخت سودهای ۲۰ و ۲۵ درصدی به خریداران سهام، در واقع ادامه روند تکاملی همان حرکت مخربی است که از زمان انتشار اوراق طرح مشارکت نواب شروع شد. ثمرات تشکیل این شرکت‌های جدید هنوز بر اقتصاد و امور پولی کشور ظاهر نشده است. یکی دو سال صبر کنید، اثرات آن را خواهید دید!

●●●

آقای سیف می‌گوید: «یکی از مشکلات کنونی



بانکها افزایش حجم مطالبات معوق است که بیشتر از ناحیه تسهیلات تکلیفی می‌باشد. این در حالی است که در قانون بودجه در برخی موارد گفته شده که تسهیلات بانکی بدون اخذ هرگونه وثیقه پرداخت شود...»

اگر آقای سیف بجای «افزایش حجم مطالبات معوق بانکها» از اصطلاح «افزایش مطالبات سوخت شده بانکها» استفاده می‌کرد، یک گام به حقیقت‌گویی نزدیک شده بود.

اگر کسی بخواهد به یک برداشت کلی از مفهوم «مطالبات معوق بانکها» دست یابد او را به صفحه ۷ شماره ۶۷ همین ماهنامه، و به خبری که زیر عنوان «شرکت میلاد ماشین هم گم شده» ارجاع می‌دهیم. اما

اگر خواهان اطلاعات وسیع‌تری هستید آگهی‌های احضاری را که دادگاهها به درخواست وکلای حقوقی بانکها در مطبوعات چاپ می‌کنند، همه روزه مطالعه کنید. جمیع بدهی افراد حقیقی و حقوقی «مجهول‌المکان شده» به شبکه بانکی کشور قابل محاسبه نیست، مگر آنکه خود این بانکها صادقانه بیلان طلب‌های لاوصول خود را منتشر کنند.

اگر بانک بابت وامی که پرداخت کرده است وثیقه

می‌گرفت، طبعاً نیاز به متوسل شدن به دادگستری و طرح دادخواست و صدور آگهی احضار، یا ابلاغ رأی غیابی نبود. در حالی که شاهدیم همه روزه دهها فقره از این آگهی‌ها در روزنامه رسمی و مطبوعات چاپ می‌شود که گاه رقم‌های سرسام‌آوری در متن آنها به چشم می‌خورد.

این مطالبات - غالباً نتیجه همان تسهیلات تکلیفی پیش‌بینی شده در بودجه است. و این تسهیلات تکلیفی به نوبه خود در واقع بخشی از کسری پنهان بودجه‌های چند سال اخیر محسوب می‌شود.

دولت، طی سالهای گذشته واگذاری اعتباراتی را با بهره نازل، و در مواردی بدون اخذ وثیقه، برای اجرای طرحهای تولیدی و غیرتولیدی به بانکها «تکلیف» می‌کرد. از جمله پرداخت اعتباراتی برای گردش کار تعاونیهای تولید، زراعی، باغداری، شیلات (مثلاً طرحهای میگو)، آبیاری تحت فشار، وام ازدواج و ... در بودجه‌ها پیش‌بینی می‌شد.

اینها ارقامی بود که هر سال سر به هزاران میلیارد ریال می‌زد (و می‌زند).

این ارقام هنگفت را در واقع باید «حواله کردی» به یک «حساب اعتباری» تعلق کرد. بدین ترتیب، دولت روش نوظهوری را در قالب مکلف کردن بانکهایی که متعلق به خود اوست (اما با سپرده‌های مردم اداره می‌شود) به پرداخت پول به این و آن در قالب قوانین بودجه‌های سالانه باب کرد.

این روش دو نتیجه زیان‌بار عمده داشت: اول این که سبب شد عده زیادی از طریق روابط ویژه از محل این اعتبارات مبالغ هنگفتی دریافت کنند، و دوم اینکه موجب می‌شد افراد بی‌اطلاع و خوش‌باور بپذیرند که بودجه‌ها فاقد کسری است.

در مورد شق اول ذکر این نکته را لازم می‌دانیم

←

همه آن افراد حقیقی یا حقوقی که از اعتبارات تبصره‌های تکلیفی بهره گرفتند، قصد سوء استفاده نداشتند. عده‌ای اعتبارات دریافتی را به مصارف واقعی رساندند و قدمی هم برای توسعه کشور برداشتند. اما بقیه یا پول بانکها را خوردند و یا بدون آنکه وام دریافتی را به مصرف واقعی برسانند، هم‌اکنون اقساط تعیین شده را باز پرداخت می‌کنند. البته همین گروه اخیر هم به لطف آن تبصره‌های تکلیفی به سوده‌های بادآورده‌ای دست یافتند.

مثالی ذکر می‌کنیم: یک شخص حقیقی یا حقوقی در سال ۱۳۷۳ از محل یکی از همان تبصره‌های تکلیفی ۵ میلیارد ریال اعتبار دریافت کرده و آن را به مصرف خرید زمین، مستغلات، اتومبیل، ارز یا سکه طلا رسانده است و حالا هم اقساط بدهی خود را می‌پردازد. تفاوت قدرت خرید ۵۰۰ میلیون تومان در سال ۷۳ با همان مبلغ را در حال حاضر محاسبه کنید تا دریابید چه سودهایی به جیب عده‌ای سرازیر شده است؟

حرف و حدیث در مورد بندبازیهای اقتصادی سالهای اخیر زیاد است، اما توجه عمیق به همین

مطالب مختصر می‌تواند اذهان انحراف یافته در مورد برنامه‌های اقتصادی و مالی کشور را به مسیر صحیح هدایت کند.

یکی از ابزارهای مورد استفاده کسانی که کوشیدند تا فضای اقتصاد کشور را کدر کنند و در شرایطی غیرشفاف اهداف اقتصادی و مالی خود را تحقق بخشند ارائه تعاریف من درآوردی و فورمول‌های سرگیجه‌آور در زمینه اقتصاد، پول و امور مالی بوده است.

به نام اصلاحات، توان مالی و معنوی جامعه را به مسیرهایی سوق دادند که حاصل آن برای توده محروم تورم، کاهش قدرت خرید، و فقر روزافزون بود، و برای طبقه متوسط به قیمت از دست دادن قدرت خلاقیت و توان پس‌اندازشان تمام شد. اما معدودی را از حقیقت به اوج رساند، و البته، در این روند، اقتصاد کشور نیز مداوماً نابهنجارتر می‌شد.

موضوعی که جای تأمل دارد این است که امثال آقایان نوریخس و سیف آیا به تازگی به کشفیاتی که ذکرشان رفت نائل شده‌اند، یا از ابتدا می‌دانستند چنان سیاست‌هایی چنین نتایجی بیار می‌آورد، اما به دلایلی

صلاح را در دم فروبستن دیده بودند؟ اگر فرضیه اول صحیح باشد، باید گفت وای بر اقتصادی که مدیران و راهبرانش چنین افرادی بوده‌اند، و اگر شش دوم مصداق داشته باشد باید دعا کرد خدا ما را در پناه الطاف خود قرار دهد.

روز ۷۶/۶/۱۳ روزنامه ایران در عنوان اصلی صفحه اول خود خبر داد: «به دستور رئیس جمهور یک گروه ویژه، مأمور رسیدگی به مسائل اقتصادی کشور شد».

این خبر را به فال نیک می‌گیریم و به آن امید می‌بندیم.

این امیدواری منوط به آن است که گروه ویژه مزبور، نخست عملکرد اقتصاد کشور در سالهای اخیر را مورد بررسی کارشناسانه و بی‌طرفانه قرار دهند و بکوشند جنبه‌هایی از مسائل اقتصادی، پولی، مالی و بانکی را که در غباری کدر غرق است، شفاف سازند و آنگاه بر اساس نتایج حاصل از این بررسی، به دولت جدید بگویند چه باید کرد تا اقتصاد کشور قانونمند، و امور مالی، بانکی و پولی ما از ناهنجاریها، کج‌اندیشی‌ها و کج‌روی‌ها پیراسته شود. □

ماهنامه گزارش را برای خود و دوستانتان مشترک شوید

خواننده گرامی

اشتراک ماهنامه برای شما امتیازاتی دارد که اهم آنها عبارتست از:

- * ثبات قیمت، زیرا افزایش قیمت مجله شامل مشترکان نمی‌شود. * اطمینان از رسیدن به موقع و حتمی ماهنامه.
- * عدم صرف وقت برای مراجعه به کیوسک‌های مختلف و سرگردانی و احتمالاً عدم توفیق در تهیه آن به دلیل فروش رسیدن کلیه نسخه‌ها.

فرم اشتراک ماهنامه گزارش

اینجانب: فارغ التحصیل رشته: مسئولیت فعلی: ارائه دهنده تولیدات

به نشانی: خدمات کد پستی:

تلفن: فاکس: • کد اشتراک قبلی: • درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را از شماره به مدت یک سال دارم.

لطفاً روی پاکت بنویسید «بخش اشتراک»

توضیحات:

۱- لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات شعبه ۷۹۰ تهران، خیابان دکتر مفتاح شمالی، شعبه نشی اسفندیاری (نیش گلزار)، قابل پرداخت در تمام شعب بانکها، واریز و اصل فیش آن را همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران به دفتر مجله ارسال کنید.

• شماره‌های قبلی مجله هر نسخه ۲۵۰۰ ریال به فروش می‌رسد.

نوع اشتراک	حق اشتراک یکساله
مؤسسات دولتی و ارگانها	۴۰۰۰ ریال
افراد	۳۰۰۰ ریال
دانشجویان و فرهنگیان	۲۵۰۰ ریال
خارج از کشور	۴۰ دلار آمریکا یا معادل ریالی

۲- علاقمندان به اشتراک در خارج از ایران می‌توانند به دو صورت زیر عمل کنند:

الف- مبلغ اشتراک را به حساب پس‌انداز شماره ۷۱-۱۱۴۱۹۴-۰۴۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه پاریس به نشانی 43, avenue Montaigne - 75008 PARIS Telephone: 47.23.78.57, Telex: 641 506 MELBAN به نام مجله گزارش واریز و اصل حواله را (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله گزارش، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران - ایران با پست سفارشی ارسال کنند.

ب- معادل ریالی آن را توسط اقوام یا دوستان خود در ایران به حساب جاری ماهنامه گزارش واریز و قبض آنرا همراه با نشانی کامل (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله ارسال کنند.